



نقدی بر بررسی ذهبی از تفسیر «القرآن الکریم» شبر

محمد تیموری^۱، علی اندیده^۲

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه اراک phd.m.teymoori@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری دانشگاه تهران andidehali@yahoo.com

چکیده

ذهبی در «التفسیر و المفسرون» به روش‌های تفسیری و تفاسیر مذاهب مختلف پرداخته است. وی به برخی از تفاسیر شیعه می‌پردازد و آن‌ها را از تفاسیر به رای مذموم به شمار می‌آورد. تفسیر القرآن الکریم شبر یکی از این موارد است. ذهبی ایرادهای خود بر این تفسیر را از جهت اثرپذیری‌های نابجا و نادرست (به پندار ذهبی) شبر از سه چیز می‌داند: تعصب مذهبی، مسائل فقهی امامیه و عقائد معتزله. این تحقیق بیشتر بر اساس گفته‌ها و شروط تفسیری دکتر ذهبی در التفسیر و المفسرون و نقد وی می‌پردازد و اشتباهات وی درباره‌ی تفسیر شبر را آشکار می‌سازد.

کلید واژگان: شبر، ذهبی، تفسیر القرآن الکریم، نقد.

مقدمه

سید عبد الله بن سید محمد رضا شبر از علمای برجسته شیعه و از بزرگان مجتهدین فقهای امامیه و ثقات محدثین شیعه اثنی عشریه در قرن سیزدهم هجری (۱۱۸۸-۱۲۴۲ق) می‌باشد. مرحوم شبر دارای چهار تفسیر بوده که عبارتند از: صفة التفاسیر، الجوهر الثمین فی تفسیر القرآن المبین، تفسیر الوجیز (تفسیر مورد بحث در مقاله) و قصص الانبیاء. محمد حسین ذهبی در کتاب «التفسیر و المفسرون» تفاسیر را به دو گونه‌ی تفسیر به رای جائز و تفسیر به رای مذموم تقسیم می‌کند. وی تفسیر القرآن الکریم شبر را از موارد تفسیر به رای مذموم می‌شمارد و در جلد دوم کتاب به نقد آن می‌پردازد. درباره‌ی نقد بر کتاب «التفسیر و المفسرون» ذهبی نگاشته‌های زیادی سامان یافته است. در این نوشتار نقدهای ذهبی در «التفسیر و المفسرون» از تفسیر «القرآن الکریم» یا همان تفسیر «الوجیز» شبر را بررسی خواهیم کرد تا قضاوت‌های غیر عالمانه وی روشن شود.

نگاه ذهبی به تفسیر شبر

ذهبی در ابتدا تعریفی از تفسیر القرآن کریم شبر می‌آورد. وی درباره‌ی تفسیر القرآن الکریم شبر قائل است: شبر قرآن را به گونه‌ای تفسیر می‌کند که با اصول مذهب شیعه و تعالیم آن وفق داشته باشد و تفسیر وی با تعصب و غلو نسبت به شأن اهل بیت (ع) همراه است، این تفسیر در پی کاستن از مقام صحابه‌ای است که آن‌ها را از پیروان علی و ذریه وی نمی‌دانسته است. وی تفسیر مزبور را شبیه به تفسیر جلالین سیوطی ذکر می‌کند و شباهت آن را از



جهت افاده معانی زیاد و نکات پنهانی دقیق با عبارات آسان و ساده می‌داند. و دیگر اینکه شبر از اعتماد بر روایت از اهل بیت (ع) حریص است، همچنین بر دفاع و یاری از مذهبش زیاده روی می‌کند.^۱

دلایل ذهبی بر رد تفسیر شبر

ذهبی دلایل رد تفسیر شبر را در سه محور ذکر می‌کند که به همراه ذکر هر کدام به نقد آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱. تعصب المؤلف لأصول مذهبه و أثر ذلك في تفسیره. (تعصب مؤلف به اصول مذهبش و اثر آن در تفسیر وی).

وی در ذیل این عنوان توضیح می‌دهد که مؤلف تفسیر القرآن الکریم به حکم عقیده و هوای خویش در تفسیر خود از تعالیم دوازده امامی و اصول مذهب آن تاثیر پذیرفته است و نیز شبر در تفسیر هر آیه‌ای به حجتی برای مذهبش و یا برای رد مذهب مخالفش اشاره می‌کند و ذهبی اینگونه تفسیر را بر اساس حب و هوا می‌داند.^۲ و در ادامه به نمونه‌هایی از این تعصب (بنا بر پندارش) می‌آورد، اینکه به سه مورد از آن اشاره می‌کنیم:

الف) امامه:

ذهبی درباره‌ی امامت به تفسیر شبر از آیه‌ی ولایت اشاره می‌کند: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ وَلِيَّ شِمَا، تَنهَا خُدا وَ پِيَامِرِ اوست وَ كَسَانِي كِه اِيْمَانِ اوردند: همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.»^۳ شبر آیه مزبور را اینگونه تفسیر می‌کند که این آیه درباره‌ی علی (ع) نازل شده است در آن هنگام که سائل آمد و او در حال رکوع بود و انگشتری خود را در این حال به سائل داد. ذهبی در ادامه از قول شبر نقل می‌کند که وی مدعی است اکثر مفسرین بر این عقیده و تفسیر هستند و روایات فریقین در این باره در حد استفاضه می‌باشد. ذهبی سپس به تفسیر شبر از آیه تبلیغ اشاره می‌کند: «يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ؛ اِي پيامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده‌ای. و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد. آری، خدا گروه

^۱ - ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۱۸۷

^۲ - همان، ج ۲، ص ۱۸۸

^۳ - مائده: ۵۵

۴ - اینکه سبب نزول این آیه درباره‌ی صدقه دادن امام علی (ع) انگشتری خود را در حال رکوع بوده است، در بسیاری از منابع اهل سنت آمده است از جمله: جصاص، أحكام القرآن، ج ۴، ص ۱۰۲؛ طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۱۸۶؛ تعلبی، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۰؛ الواحدي، أسباب نزول القرآن، ج ۱، صص ۱۹۹-۲۰۰؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۳۸۳؛ ابن الجوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۱، ص ۵۶۱؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۶، ص ۲۲۱؛ سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۲، ص ۲۹۳؛ سیوطی، لباب النقول فی أسباب النزول، ج ۱، ص ۸۶؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۳۳۵. درباره منابع بیشتر نسبت به سبب نزول آیه ولایت درباره‌ی امام علی (ع) در منابع اهل سنت ر.ک: پیرایش کندی، ولایت در آیات و روایات از دیدگاه اهل سنت، صص ۲۵-۲۹، مؤلف در این کتاب بیش از ۶۰ منبع از منابع اهل سنت را ذکر می‌کند. و نیز درباره تفسیر تطبیقی آیه مذکور در بین شیعه و سنی و اینکه آیه مذکور دال بر امامت امام علی (ع) می‌کند، ر.ک: نجارزادگان، بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت در دیدگاه فریقین، فصل دوم.

^۵ - مائده: ۶۷



کافران را هدایت نمی کند.^۱ که شبر این آیه را درباره‌ی جانشینی امام علی(ع) در روز غدیر می داند و روایاتی از اهل بیت(ع) و ابن عباس و جابر در این باره ذکر می کند.^۲

ب) کل امام یوصی لمن بعده (هر امامی به امام بعد از خود وصیت می کند).

ذهبی در این باره تفسیر شبر از آیه ۵۸ نساء را می آورد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ: خدا به شما فرمان می دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید. در حقیقت، نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می دهد. خدا شنوای بیناست.»^۳ شبر و در تفسیر آیه مزبور، روایت ذیل را ذکر می کند: «أنه أمر لكل واحد من الأئمة أن يسلم الأمر إلى من بعده»^۴ ذهبی همچنین به گفته‌ی شبر در تفسیر آیه ۳۶ احزاب اشاره می کند که وی می گوید: «و فيه رد علی من جعل الإمامة بالاختیار: و در آن ردی بر کسی است که امامت را با اختیار قرار دهد.»^۵

ج) وجود الأئمة في كل زمان و عصمتهم، و وجوب الرجوع إليهم عند الاختلاف دون غيرهم (وجود ائمه(ع) در هر زمان و عصمت آنان و وجوب رجوع به ایشان در هنگام اختلاف نه به غیر آنها).

ذهبی به تفسیر شبر از آیه ۵۹ نساء استناد می کند: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید، این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است.»^۶ شبر درباره‌ی این آیه می گوید: «بر وجود اولی الامر در هر زمانی دلالت دارد از حیث اینکه اطاعت از آنها به خاطر علم و فضل و عصمت‌شان واجب است و انطباق ندارد مگر بر

^۱ - در برخی از منابع اهل سنت، سبب نزول این آیه درباره‌ی فضیلت امام علی(ع) در روز غدیر ذکر شده است که پیامبر اکرم(ص) درباره امام علی(ع) فرمود: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه» هر چند برخی همچون فخر رازی ۱۰ شأن نزول برای آن آورده‌اند، از جمله این منابع عبارتند از: ثعلبی، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۴، ص: ۹۲؛ الواحدی، أسباب نزول القرآن، ج ۱ ص ۲۰۲؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص: ۴۰۱؛ نیشابوری، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۲، ص: ۶۱۶؛ سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۲، ص: ۲۹۸. برای آگاهی از منابع دیگر اهل سنت که سبب نزول آیه مذکور را درباره‌ی ماجرای غدیر و امام علی(ع) ذکر کرده‌اند، رک: پیرایش کندی، ولایت در آیات و روایات از دیدگاه اهل سنت، صص ۴۳-۴۶، مولف در این کتاب بیش از ۳۰ منبع را ذکر می کند، و نیز درباره تفسیر تطبیقی آیه مذکور در بین شیعه و سنی و اینکه آیه مذکور درباره ماجرای غدیر خم و امامت امام علی(ع) نازل شده است، رک: نجارزادگان، بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت در دیدگاه فریقین، فصل چهارم.

^۲ - ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۱۸۸

^۳ - درباره این آیه شأن نزول‌های متعددی ذکر شده است که می توان گفت هر کدام از این موارد از مصادیق آن و از باب تطبیق است، از جمله: درباره هر نوع امانتی، امراء، عثمان بن طلحه و در روایات اهل بیت(ع) مراد از «امانات»، امامت ائمه(ع) ذکر شده است، مورد اخیر در این منابع نقل شده است: عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۱، ص: ۲۴۷؛ حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص: ۴۹۵؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، صص ۱۰۰-۱۰۳.

^۴ - مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۳، ص ۱۷۹

^۵ - ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۱۸۹

^۶ - بنا بر چندین روایت این آیه درباره‌ی امام علی(ع) و دیگر اهل بیت(ع) نازل شده است، رک: حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص: ۱۸۹ و ۱۹۱؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۷۶؛ ابن بابویه، الإمامة و التبصرة من الحیرة، ص ۱۳۴؛ عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۱، ص: ۲۴۷؛ حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص: ۴۹۹؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص: ۱۰۳. درباره تفسیر تطبیقی آیه مذکور در بین شیعه و سنی و اینکه مراد از اولی الامر، امام علی(ع) است، رک: نجارزادگان، بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت در دیدگاه فریقین، فصل سوم.



مذهب امامیه» وی بر ادعای خود این روایت را از معصومین (ع) ذکر می کند: «اینا عنی خاصهً أمر جميع المؤمنین إلى یوم القیامة بطاعتنا.^۱ خدا خصوص ما را قصد کرده، خدا همه مؤمنین را تا روز قیامت بطاعت ما امر فرموده.»^۲

نقد و بررسی دلایل ذهبی در محور اول

تقسیم تفسیر به دو گونه‌ی تفسیر به رای جائز و تفسیر به رای مذموم با لغت و اطلاق روایات تفسیر به رای منافات دارد.^۳ با بررسی بر دلایل ذهبی می توان گفت دلایل وی بر رد تفسیر شبر اغلب نشأت گرفته از تعصب مذهبی وی بوده است. وی حنبلی مذهب و اشعری مسلک بوده است به همین سبب تفاسیر معتزله و شیعه را از تفاسیر به رای مذموم به شمار می آورد. تفاسیر مورد اعتماد و پسند وی غالباً بر مذهب و کیش کلامی وی بوده اند، تفاسیری مانند: مفاتیح الغیب فخر رازی، أنوار التنزیل و أسرار التأویل بیضاوی. با دلایلی که بر رد ذهبی خواهیم آورد، نمایان خواهد شد که ادعای وی بر رد تفسیر شبر، واهی و بی اساس و سست می باشد. از چند سو می توان دلایل وی در محور اول را نقد کرد:

الف) نقد بر اساس قواعد تفسیری ذهبی در کتاب التفسیر و المفسرون: ذهبی در مبحث دوم فصل سوم کتاب خود، برای تفسیر به رای ممدوح و یا همان اجتهاد در تفسیر، آگاهی از علومی را برای مفسر شرط می داند، علومی همچون: زبان عربی، قرائات، ناسخ و منسوخ، أصول الدین، أصول الفقه، حدیث شریف، اسباب النزول.^۴

حال باید گفت: تفسیر مرحوم شبر از آیاتی که در محور اول ذکر شد، بیانگر این است که تفسیر وی مطابق با قواعد تفسیری مورد پذیرش ذهبی بوده است. همانگونه که در تفسیر شبر از آیات ولایت و تبلیغ گذشت، وی این دو آیه را بر اساس روایات و سبب نزول آن دو تفسیر کرده است. وی همچنین در تفسیر آیه‌ی «برگرداندن امانات به صاحبانشان» و آیه «اولی الامر» به روایات در این باره استناد می کند که بسیاری از این روایات علاوه بر منابع شیعی در منابع سنی که خود ذهبی و اهل سنت بر آن اعتماد دارند آمده است. بنابراین شبر آیات مذکور را بر اساس روایات صادره از معصومین (ع) تفسیر کرده است نه بر اساس رای و نظر خود. پس ذهبی نمی تواند ادعا کند که تفسیر شبر از این آیات، تفسیر به رای مذموم بوده است. زیرا بنا بر قواعد تفسیری ذهبی (حدیث شریف و اسباب نزول)، مرحوم شبر آیات را تفسیر کرده است نه بر اساس رای خود.

ب) نقد بر اساس تفاسیر مورد اعتماد ذهبی: ذهبی در فصل سوم کتاب خود چند تفسیر را از تفاسیر به رای جائز به شمار می آورد و آن‌ها را می پسندد، این تفاسیر عبارتند از: مفاتیح الغیب فخر رازی، أنوار التنزیل و أسرار التأویل بیضاوی، مدارک التنزیل و حقائق التأویل نسفی، لباب التأویل فی معانی التنزیل خازن، بحر المحیط ابو حیان، غرائب القرآن و رغائب الفرقان نیشابوری، تفسیر الجلالین جلال الدین محلی و جلال الدین سیوطی، السراج المنیر خطیب شربینی، إرشاد العقل السلیم ابو السعود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم آلوسی. مولفان هر کدام از این تفاسیر همچنان که خود ذهبی نیز به آن اذعان دارد، نسبت به مذهب خود تعصب داشته اند و در تفسیر در پی یاری از مذهب خود بوده اند. عبارات ذیل از ذهبی بیانگر این است که این مولفان در تفسیر خود نسبت به مذهب خویش تعصب داشته اند:

^۱ - کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۷۶

^۲ - شبر، تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۱۷

^۳ - ر.ک: رضایی اصفهانی، محمدعلی، نقد مبانی و روشهای تفسیری در کتاب «التفسیر و المفسرون»

^۴ - ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۱۷۲ - ۱۷۴



تفسیر فخر رازی: «ثم إن الفخر الرازی لا یکاد یمر بآیه من آیات الأحکام إلا و یدکر مذاهب الفقهاء فیها، مع ترویجه لمذهب الشافعی - الذی یقلده - بالأدله و البراهین^۱: فخر از آیه‌ای از آیات الاحکام نمی‌گذرد مگر اینکه در آن مذاهب فقها را ذکر می‌کند و همچنین مذهب شافعی را که مقلد وی بوده با ادله و براهین ترویج می‌دهد.»

تفسیر بیضاوی: «و إن کان یظهر لنا أنه یمیل غالباً لتأیید مذهبه و ترویجه^۲: اگر چه برای ما آشکار است که وی غالباً به تأیید مذهب خود و ترویج آن تمایل داشته است.»

تفسیر نسفی: «و هو ینتصر لمذهبه الحنفی و یرد علی من خالفه فی کثیر من الأحيان، و إن أردت الوقوف علی ذلك فارجع إلیه عند تفسیره لقوله تعالی فی الآیه (۲۲۸) من سورة البقره^۳: او مذهبش حنفی را یاری می‌کند و در بسیاری کسی را که مخالفش هست رد می‌کند و اگر می‌خواهی بر آن واقف شوی به تفسیر وی از آیه ۲۲۸ بقره رجوع کن.»

تفسیر نیشابوری: «كذلك نجده یخوض فی المسائل الکلامیه، فیدکر مذهب أهل السنه و مذهب غیرهم، مع ذكره لأدله كل مذهب، و انتصاره لمذهب أهل السنه و تأییده له، ورد ما یرد علیه من جانب المخالفین^۴: اینچنین او را می‌بینیم که در مسائل کلامی خوض می‌کند و مذهب اهل سنت و غیر آن را ذکر می‌کند به همراه ذکر ادله‌ای بر هر مذهب و یاری وی برای مذهب اهل سنت و تأیید آن و رد آنچه از جانب مخالفین آمده است.»

تفسیر آلوسی: «و الأوسی سلفی المذهب سنی العقیده، و لهذا نراه کثیراً ما یفند آراء المعتزله و الشیعہ، و غیرهم من أصحاب المذاهب المخالفه لمذهبه^۵: و آلوسی سلفی مذهب و سنی العقیده است و به این سبب او را بسیار می‌بینیم که آراء معتزله و شیعه و دیگران از اصحاب مذاهب مخالف با مذهبش را اشتباه می‌داند.»

این عبارات آشکارا بیانگر این است که تفاسیر مورد اعتماد ذهبی در پی تأیید و یاری بر مذهب فقهی و کلامی خویش بوده‌اند. اگر بنا بر ادعای ذهبی تفسیر شبر به خاطر تعصب وی در مذهب، از تفاسیر به رای مذموم به حساب می‌آید چنین ادعایی درباره‌ی تفاسیر مورد اعتماد وی نیز صدق می‌کند در نتیجه این تفاسیر نیز از مصادیق تفسیر به رای مذموم به حساب می‌آیند. می‌توان گفت: این دیدگاه ذهبی نشأت گرفته از اختلافات پیش فرض‌ها است. زیرا ذهبی یک شخص سنی و از جهت فقهی، حنبلی و از نظر کلامی اشعری مسلک بوده است به همین خاطر تفاسیری که معتزلی و یا شیعی بوده‌اند را جزء تفاسیری می‌شمارد که (به پندار ذهبی) در آن تفسیر به رای مذموم رخ داده است.

درباره‌ی پیش فرض‌ها و تأثیر آن در تفسیر می‌توان گفت: پیش فرض‌ها عامل اختلافات تفاسیر خصوصاً تفاسیر بین مذهبی شده است. مثلاً کسی که قائل به عصمت و مرجعیت اهل بیت (ع) در تفسیر قرآن باشد، تفسیر وی از قرآن با تفسیر کسی که به این مهم قائل نباشد تفاوت خواهد داشت. زیرا این اختلاف پیش فرض منجر به اختلاف در منابع مورد استفاده در تفسیر می‌شود. از سوی دیگر هر مذهب و فرقه‌ای دارای مبانی خاص به خود می‌باشد که این مبانی زیربنای پیش فرض‌هاست. مرحوم شبر شیعی بوده است و مذهب شیعه دارای مبانی و اعتقادات خاص به خود در تفسیر است. از جمله این مبانی این است که

۱ - همان، ج ۱، ص ۲۹۵

۲ - همان، ج ۱، ص ۲۹۸

۳ - همان، ج ۱، ص ۳۰۷

۴ - همان، ج ۱، ص ۳۲۵

۵ - همان، ج ۱، ص ۳۵۶



روایات اهل بیت (ع) یکی از منابع تفسیر قرآن می‌باشد.^۱ بنابراین نباید گفته شود که هر آنچه شبر در تفسیر خود آورده است بر اساس چیزی بوده که وی دوست داشته است و برای تأیید مذهب خود آیات را تفسیر کرده است، زیرا مفسر آیات را بر اساس مبانی و پیش‌فرض‌هایی که برای تفسیر برگزیده است، تفسیر می‌کند.

۲. تأثر المؤلف فی تفسیره بفروع الإمامیه الفقهیه.

محور دومی که ذهبی درباره‌ی تفسیر به رای بودن تفسیر القرآن الکریم شبر بیان می‌کند این است که شبر در تفسیرش از فروع امامیه تأثیر پذیرفته است. وی در این باره توضیح می‌دهد که مولف، آیات الاحکام را مطابق با اجتهادات فقهاء امامیه تفسیر می‌کند.^۲ وی در این باره به مواردی اشاره می‌کند، از جمله:

الف) فرض الرجلین فی الوضوء (واجب بودن مسح دو پا در وضو)

شبر در ذیل تفسیر آیه ۶ مائده، آن را دال بر این می‌داند که مراد از دو پا در وضو مسح آن است نه شستن: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به [عزم] نماز برخیزید، صورت و دستهایتان را تا آرنج بشویید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین [هر دو پا] مسح کنید.» شبر در تفسیر «وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ: پاهای خودتان را تا برآمدگی» می‌گوید: «بالجر كما عن حمزة و ابن كثير و أبي عمر و أبي بكر و نصبه الباقون عطف على رءوسكم: جر است همانطور که قرائت حمزه و ابن كثير و ابی عمر و ابی بكر است و نصب آن به خاطر عطف بر رءوسكم باقی است.»^۳

ب) میراث الأنبياء

شبر درباره‌ی به ارث بردن انبیاء (ع) قائل است که آنان مانند سایر مردم مال به ارث می‌برند. وی در ذیل این دو آیه به این امر اشاره می‌کند: «وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِي مِن وِرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِن لَدُنْكَ وَرَثًا. يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَ اجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا: و من پس از خویشتن از بستگانم بینمگم و زرم نازاست، پس از جانب خود ولی [و جانشینی] به من ببخش، که از من ارث برد و از خاندان یعقوب [نیز] ارث برد، و او را- ای پروردگار من- پسندیده گردان.»^۴ «وَ وِرَثٌ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ: و سلیمان از داوود میراث یافت.»^۵

نقد و بررسی دلایل ذهبی در محور دوم

این نقد به تفسیر شبر وارد نیست، زیرا همانگونه که در نقد محور اول گذشت، یکی از شروط تفسیری مفسر بنا بر نظر ذهبی این است که مفسر عالم به حدیث شریف باشد و به احادیث در تفسیر اعتنا کند. شبر آیات فوق را بر اساس احادیث معصومین (ع) تفسیر کرده است نه با رای خود تا بتوان همچون

^۱ - در کتب روش تفسیر قرآن، یکی از منابع تفسیر را روایت معصومین (ع) ذکر کرده‌اند، رک: علی الصغیر، محمد حسین، المبادئ العامة لتفسیر القرآن الکریم بین النظرية و التطبيق، ص ۶۱؛ رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، ص ۲۲۲.

^۲ - همان، ج ۲، ص ۱۹۳

^۳ - همان، ج ۲، ص ۲۹۴

^۴ - مریم: ۶-۵

^۵ - نمل: ۱۶



ذهبی ادعا کرد تفسیر شبر، تفسیر به رای مذموم می باشد. یکی از قرائن منفصل برای تفسیر آیات الاحکام، روایات پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) است و این مهم، یکی از قواعد تفسیری نزد شیعه است.

شبر در تفسیر الجواهر الثمین خود درباره‌ی واجب بودن مسح دو پا در وضو به روایت امام باقر (ع) استناد می کند که زراره از امام (ع) پرسید: «الا تخبرنی من این علمت و قلت ان المسح ببعض الرأس وبعض الرجلین؟ فضحک ثم قال: یا زراره قاله رسول الله (ص)، و نزل به الكتاب لأن الله يقول: فاغسلوا وجوهکم، ففرنا ان الوجه كله ينبغي ان يغسل، ثم قال و أیدیکم الی المرافق، ثم فصل بین الکلامین فقال و امسحوا برءوسکم ففرنا حين قال برءوسکم ان المسح ببعض الراس لمكان الباء، ثم وصل الرجلین بالرأس كما وصل الیدین بالوجه، فقال و ارجلکم الی الکعبین، ففرنا حين وصلها بالرأس ان المسح علی بعضها، ثم فسر رسول الله (ص) ذلك الناس فضیعوه^۱».

به ابو جعفر باقر (ع) گفتیم: آیا از راز این مطلب مرا با خبر نمی سازید که از کجا دانسته اید: مسح کردن قسمتی از سر و قسمتی از پا کفایت می کند؟ ابو جعفر باقر تبسم کرد و گفت: ای زراره رسول خدا چنین گفته است، و آیه قرآن نیز در این باره نازل شده است، زیرا خداوند عز و جل می گوید: «صورتهاى خود را بشوئید». از این عبارت دانستیم که تمام صورت باید شسته شود. بعد از آن گفت: «دستهای خود را تا آرنج بشوئید» آن گاه فصل تازه ای گشود و گفت: «و به سرهای خود مسح بکشید». و از آن جا که گفت: «به سرهای خود»، به خاطر همین با، دانستیم که مسح کردن قسمتی از سر کافی است، و همان طور که قبلاً، دستها را در فصل شستن صورت یاد کرده بود، در این جا، پاها را در فصل مسح کردن سر یاد کرد و گفت: «و به پاهای خود تا قاپ پاها مسح بکشید»، و لذا دانستیم که مسح کردن قسمتی از پاها کفایت می کند. این دو فصل را رسول خدا عملاً در سنت خود تفسیر کرد، ولی مردم تفسیر رسول خدا را تباه کردند و ضایع گذاشتند.»

به ارث بردن انبیاء (ع) یک اعتقاد در مذهب شیعه است که روایات اهل البیت (ع) نیز دال بر آن است. مثلاً مناظره حضرت فاطمه (س) با ابوبکر درباره‌ی فدک که در آن مناظره حضرت فاطمه (س) به آیات ذیل استناد کرد: «يُرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ عَالِ يَعْقُوبَ وَ اجْعَلُهُ رَبَّ رَضِيًّا^۲»، «وَ وَرِثَ سُلَيْمَانَ دَاوُدَ^۳» و این دو آیه را دال بر ارث بردن انبیاء (ع) ذکر کرد.^۴

ذهبی به جای اینکه منابع مورد استفاده شبر را نقد کند غیر عالمانه و بی اساس ادعا می کند: چون شبر آیات الاحکام را بر اساس فروع فقهی امامیه تفسیر می کند، تفسیر وی مذموم است. حال آنکه منشأ اختلاف در تفسیر آیات الاحکام، منابع تفسیری آن می باشد که شیعه به روایات معصومین (ع) چنگ می زند ولی اهل سنت به آرای فقهی ائمه‌ی مذاهب چهارگانه فقهی خود.

۳. تأثره بمذهب المعتزلة فی تفسیره (تأثیر پذیری او در تفسیرش از معتزله)

ذهبی معتقد که شبر همچون دیگر عالمان امامیه در مسائل کلامی و اعتقادی از معتزله تأثیر پذیرفته است.^۵ وی بر این مدعای خود، نمونه‌هایی از تفسیر مورد بحث ذکر می کند. از جمله:

الف) حرية الإرادة و خلق الأفعال (آزادی اراده و خلق افعال)

^۱ - شبر، تفسیر الجواهر الثمین، ج ۲، ص ۱۴۷؛ کلینی، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص: ۳۰.

^۲ - مریم: ۶

^۳ - نمل: ۱۶

^۴ - جوهری بصری، السقیفة و فدک، ص ۱۴۲؛ ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۲۹؛ خصیبی، الهدایة الكبرى، ص ۴۰۶؛ طبری آملی صغیر، دلائل الإمامة؛ ص ۱۱۷.

^۵ - ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۱۹۶.



ذهبی ادعا می‌کند که اعتقاد به «آزادی عبد در اراده» و «عبد خالق همه‌ی افعال خویش است» را شبر از معتزله اثر پذیرفته است.^۱ وی به چند مورد از آیاتی اشاره دارد که شبر در تفسیر آن آیات قائل به دو مقوله مزبور می‌باشد. مثلاً شبر در تفسیر آیه ۷ بقره به حدیث امام رضا(ع) استناد می‌کند که امام(ع) می‌فرماید: «الخنم هو الطبع علی قلوب الکفار عقوبه علی کفرهم کما قال تعالی: بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا: ختم مهر زدن بر قلوب کفار است بجهت عقاب کردن بر کفر ایشان چنان که خداوند متعال فرموده است: بلکه خدا به خاطر کفرشان بر دل‌هایشان مهر زده و در نتیجه جز شماری اندک [از ایشان] ایمان نمی‌آورند.»

ب) رؤیة الله (دیدن خداوند)

ذهبی درباره‌ی این موضوع، تفسیر شبر از دو آیه ذیل را بیان می‌کند: «قال رَبُّ أَرْنِي أَنْظُرُ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنْ أَنْظُرُ إِلَى الْجَبَلِ: عرض کرد: «پروردگارا، خود را به من بنمای تا بر تو بنگرم.» فرمود: «هرگز مرا نخواهی دید، لیکن به کوه بنگر.»، شبر در تفسیر این آیه قائل است که دیدن خداوند محال است. و همچنین درباره‌ی آیه «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ. إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ: در آن روز چهره‌هایی شاداب‌اند، و به سوی پروردگار خود می‌نگرند.» قائل است: «إلى رحمته أو إنعامه» یعنی: در آن روز چهره‌هایی شاداب‌اند، و به سوی رحمت و نعمت‌های پروردگار خود می‌نگرند.^۵

ج) غفران الذنوب

ذهبی در ذیل این عنوان توضیح می‌دهد که شبر در برخی اعتقادات با معتزله مخالفت کرده است. وی درباره‌ی آن می‌گوید: «فمثلاً يرى المؤلف أنه يجوز في حق الله تعالى أن يغفر الذنوب - إلا الشرك - بدون توبه من العبد تفضلاً منه و رحمة، و هذا ما لا يقول به المعتزلة: مثلاً مولف غفران ذنوب بنده را برای خداوند جایز می‌شمارد - به جز شرک - بدون توبه به خاطر تفضل و رحمت خداوند، و این همان است که معتزله به آن قائل نیستند.» ذهبی در ادامه تفسیر مولف از آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ: مسلماً خدا، این را که به او شرک ورزیده شود نمی‌بخشاید و غیر از آن را برای هر که بخواهد می‌بخشاید» را ذکر می‌کند که شبر می‌گوید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ» یعنی شرک «به» بدون توبه به خاطر اجماع برای غفران آن «وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ» آنچه از گناهان بدون توبه «لِمَنْ يَشَاءُ» به سبب تفضل و اقتضای بین خوف و رجا ماندن.^۷

۳. نقد و بررسی دلایل ذهبی در محور سوم

این نقد نیز بر شبر وارد نیست زیرا:

^۱ - همان

^۲ - ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا(ع)، ج ۱، ص ۱۲۳

^۳ - اعراف: ۱۴۳

^۴ - قیامة: ۲۲-۲۳

^۵ - ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۱۹۷-۱۹۸

^۶ - نساء: ۴۸

^۷ - همان، ج ۲، ص ۱۹۸.



اولاً: خاستگاه معتزله با شیعه متفاوت بوده است، زیرا خاستگاه تشیع از زمان پیامبر اکرم (ص) بوده است ولی خاستگاه معتزله از اواخر قرن اول بوده است. ذهبی در کتاب خود، بیان کرده است که اصل این فرقه به دست واصل بن عطا (متولد ۸۰ ق) پایه گذاری شد.^۱ واصل در اواخر قرن اول متولد شده ولی شیعه از صدر اسلام بوده است.

ثانیاً: تفسیر شیعه و شبر از آیاتی که ذکر شد الهام گرفته از روایات معصومین (ع) است. مثلاً در موضوع آزادی اراده و خلق افعال، شبر به روایتی از امام رضا (ع) استناد می کند. همچنین درباره ی رؤیت خداوند، شیخ صدوق در کتاب توحید باب هشتم «ما جاء فی الرؤیة» ۲۴ روایت از پیامبر اکرم (ص)، امیر المؤمنین (ع)، امام باقر (ع)، امام صادق (ع)، امام رضا (ع)، امام جواد (ع)، امام هادی (ع)، امام حسن عسگری (ع) و عبد الله بن عباس ذکر می کند که همگی دال بر عدم رویت حق تعالی است.^۲ بنابراین نمی توان بر شیعیان مدعی شد که آنان در مسائل کلامی از معتزله اثر پذیرفته اند.

ثالثاً: ذهبی در موضوع «غفران ذنوب» اذعان دارد که در این مورد شبر با معتزله مخالفت می کند، با وجود مخالفت شبر با معتزله، پس چگونه می تواند از معتزله در تفسیر آیات اثر پذیرد؟! اعتقادات شیعه و معتزله با هم تفاوت دارد. ذهبی اصول عقاید معتزله را اینگونه می شمارد: توحید، عدل، وعد و وعید، منزله بین المنزلتین، امر به معروف و نهی از منکر.^۳ در حالی که اصول عقاید شیعه عبارتند از: توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد. مشترکات شیعه و معتزله فقط در توحید و عدل است، بنابراین عقائد شیعه و معتزله چگونه می تواند یکی باشد؟!^۴

بنابر آنچه در نقد سه محور فوق گذشت باید بگویم نقدهای ذهبی بر تفسیر القرآن الکریم شبر غیر عالمانه و بی اساس می باشد. ذهبی به جای اینکه مبانی و پیش فرض های شبر را نقد کند، نمونه هایی از تفسیر وی را می آورد و اینگونه تفسیر را نادرست می پندارد.

نتیجه گیری:

ادعای ذهبی مبنی بر تفسیر به رأی مذموم برای تفسیر شبر به چند دلیل ذیل نادرست است: ۱- استدلال ذهبی مبنی بر تعصب مذهبی شبر در تفسیر صحیح نیست زیرا اولاً: تفسیر شبر از آیات مورد استناد ذهبی از احادیث گرفته شده است و این احادیث هم در منابع اهل سنت و هم در منابع شیعی آمده است و از سوی دیگر ذهبی در کتاب خود یکی از شروط مفسر را علم نسبت به احادیث و اسباب نزول ذکر می کند بنابراین ذهبی در تفسیر این آیات، به رأی خود تفسیر نکرده بلکه بر اساس احادیث موجود در منابع اهل سنت و شیعه تفسیر کرده است. ثانیاً: بر اساس سخنان ذهبی، تفاسیر مورد پسند وی نیز تعصب مذهبی داشته اند و در پی یاری مذهب خود بوده اند. بنابر این اگر قرار باشد تفسیر شبر به خاطر تعصب مذهبی تفسیر به رأی مذموم و مردود باشد باید تفاسیر مورد اعتماد ذهبی نیز مردود باشند.

۲- تأثیر پذیری شبر از فروع فقهی امامیه نیز نادرست است: زیرا شبر آیاتی را که مورد استناد ذهبی است، بر اساس احادیث امامیه تفسیر کرده است و رجوع به احادیث یکی از شروط مورد پذیرش ذهبی برای مفسر است که شبر به آن عمل کرده است. ذهبی به جای رد منابع مورد استناد شبر در تفسیر، بی هیچ دلیلی ادعا می کند اینگونه تفسیر کردن شبر باعث رد آن تفسیر می شود. بنا بر این، این ادعای ذهبی نیز مورد قبول نیست.

^۱ - همان، ج ۱، ص ۳۶۸. درباره تاریخ تولد واصل و اینکه پایه گذار معتزله وی بوده است، ر.ک: ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۶ ص ۱۷۵؛ ابن حجر العسقلانی، نزهة الألباب فی الألقاب، ج ۲ ص ۵۰، زرکلی، الأعلام، ج ۸ ص ۱۰۸.

^۲ - صدوق، التوحید، باب ۸، صص ۱۰۷-۱۲۲.

^۳ - همان، ج ۱، ص ۳۶۹-۳۷۰.

^۴ - جهت آگاهی بیشتر بر عدم ارتباط عقائد شیعه و معتزله ر.ک: رضائی اصفهانی، محمدعلی، نقد مبانی و روشهای تفسیری در کتاب «التفسیر و المفسرون».



۳- تأثیر پذیری شبر از معتزله بنا بر سه دلیل رد می شود: اولاً: خاستگاه شیعه با معتزله فرق دارد، خاستگاه شیعه از زمان پیامبر (ص) بوده است ولی پایه گذار معتزله در اواخر قرن اول به دنیا آمده است. ثانياً: در آیات مورد استناد ذهبی از تفسیر شبر، مرحوم شبر در تفسیر این آیات به روایات اهل بیت (ع) استناد کرده است. ثالثاً: خود ذهبی ادعان دارد که شیعه با معتزله درباره ی غفران ذنوب اختلاف دارند. بنا بر این ، این ادعای ذهبی نیز رد می شود و بطور کلی دلایل وی مبنی بر تفسیر به رای مذموم بودن تفسیر شبر باطل می شود.

منابع:

⑤ قرآن کریم.

۱. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه - بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۲. ابن بابویه، علی بن حسین، الإمامة و التبصرة من الحيرة، مدرسة الإمام المهدي (عج)، ایران- قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحيد (للصدوق)، جامعه مدرسین - قم، چاپ: اول، ۱۳۹۸ ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، نشر جهان - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۸ ق.
۵. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق: عبدالرزاق المهدی دار، الکتب العربی - بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۶. ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی بن محمد، نزهة الألباب فی الألقاب، تحقیق عبد العزیز محمد بن صالح السدیری، مکتبه الرشد- الرياض، ۱۴۰۹ هـ- ۱۹۸۹ م.
۷. ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر، بلاغات النساء، الشریف الرضی، ایران- قم، چاپ: اول، بی تا.
۸. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه - قم، بنیاد بعثت - تهران، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
۹. پیرایش کندری، یعقوب بن محمد بن علی بن محمد خان بن امام علی بن سیران، ولایت در آیات و روایات از دیدگاه اهل سنت، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۹۳ ش.
۱۰. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی - بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۱۱. جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن (جصاص)، تحقیق: محمد صادق قمحاوی، دار احیاء التراث العربی - بیروت، (۱۴۰۵ ق).
۱۲. جوهری بصری، احمد بن عبد العزیز، السقیفه و فدک، مکتبه نینوی الحدیثه - تهران، بی تا.
۱۳. حسکانی، عبید الله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق: محمد باقر محمودی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی - تهران، چاپ اول، (۱۴۱۱ ق).
۱۴. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، البلاغ - بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۱۵. ذهبی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز، سیر أعلام النبلاء، دار الحدیث - القاهرة، الطبعة: ۱۴۲۷ هـ- ۲۰۰۶ م.
۱۶. ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون بحث تفصیلی عن نشأة التفسیر، ۲ جلد، دار احیاء التراث العربی - بیروت، بی تا.
۱۷. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، پژوهشکده حوزه و دانشگاه - قم، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
۱۸. رضائی اصفهانی، محمد علی، نقد مبانی و روشهای تفسیری در کتاب «التفسیر و المفسرون»، نشریه طلوع، زمستان ۱۳۸۳ ش، شماره ۱۲.
۱۹. زر کلی الدمشقی، خیر الدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس، الأعلام، دار العلم للملایین، الطبعة: الخامسة عشر، ۲۰۰۲ م.
۲۰. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر بن محمد، لباب النقول فی أسباب النزول، دار احیاء العلوم - بیروت، بی تا.
۲۱. سیوطی جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - قم، ۱۴۰۴ ق.



۲۲. شیر، سید عبد الله، الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، مکتبۃ الألفین - کویت، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
۲۳. شیر، سید عبد الله، تفسیر القرآن الکریم، دار البلاغۃ للطباعۃ و النشر - بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۲۴. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامۃ، بعثت - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.
۲۵. طبری ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه - بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۲۶. عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات اسماعیلیان - قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۲۷. علی الصغیر، محمد حسین، المبادئ العامۃ لتفسیر القرآن الکریم بین النظریۃ و التطبيق، دار المؤرخ العربی - بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق/ ۲۰۰۰ م.
۲۸. عیاشی محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپخانه علمیه - تهران، ۱۳۸۰ ق.
۲۹. فخرالدین رازی ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی - بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
۳۰. قرطبی محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، انتشارات ناصر خسرو - تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیة - تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، دار الکتب الإسلامیة - تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۳۳. نجارزادگان، فتح الله، بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت اهل بیت (ع) در دیدگاه فریقین، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه - قم، چاپ پنجم، ۱۳۹۱ ش.
۳۴. نیشابوری نظام الدین حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقیق: شیخ زکریا عمیرات، دار الکتب العلمیه - بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
۳۵. واحدی النیسابوری الشافعی، أبو الحسن علی بن أحمد بن محمد بن علی، أسباب نزول القرآن، تحقیق: عصام بن عبد المحسن الحمیدان، دار الإصلاح - الدمام، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۲ هـ - ۱۹۹۲ م.